

## درنگی در انیس الوحده

جواد بشری

سراغاز

انیس الوحده و جلیس الخلوة، جُنْگی است به سبک کتب محاضرات، شامل آیات، روایات، کلمات قصار، اشعار عربی و فارسی و حکایات از قرن هشتم هجری. این کتاب را استاد ایرج افشار تصحیح و برای انتشار فراهم کرده است. اخیراً نسخه‌ای بسیار کهن و نسبتاً کامل، به گنجینه کتابخانه حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی رحمته الله پیوست که از نظر کامل بودن و کهن بر دیگر نسخه‌های اثر - که البته نمونه‌های کهن در میانشان وجود دارد - برتری داشت.

نوشته حاضر را در معرفی این دستنویس ترتیب دادم و چند یادداشت هم درباره خود اثر و مؤلفش بر آن افزودم که به این شکل به استاد افشار تقدیم می‌کنم. همچنین از حضرت حجت الاسلام والمسلمین دکتر سید محمود مرعشی که از سر لطف، تصویری از نسخه حاضر را در اختیارم گذاردند سپاسگزاری می‌نمایم.

انیس الوحده و مؤلف آن

انیس الوحده، اثر محمود بن محمود بن علی الحسینی، المنسوب الی گلستانه را استاد ایرج افشار سالیانی است که تحت بررسی دارد و اطلاعات فراوانی از مؤلف و نسخه‌های پراکنده آن در مناطق مختلف گرد آورده است.<sup>۱</sup> او نخست نسخه کهن

۱. انیس الوحده و جلیس الخلوة (گلستانه اصفهانی و گلستانی سرایی)، ایرج افشار، یادنامه دکتر احمد تفضلی، به کوشش دکتر علی اشرف صادقی، سخن، ۱۳۷۹، صص ۶۷-۸۱.

سعید نفیسی را به مطالعه گرفت<sup>۱</sup> و پس از آن نسخه‌های آستان قدس رضوی و کتابخانه شهرداری اصفهان<sup>۲</sup> را به دست آورد. دیگر دستنویسهایی که به مرور زمان شناسایی و در اختیار ایشان قرار گرفت نسخه‌های برلین (مورخ ۸۹۶ هجری)، مرعشی به شماره ۷۹۳۶/۳ - که بخشی از جنگ دو جلدی «مجمع البحرین» است که قبلاً در کتابخانه مرحوم حسن وحید دستگردی قرار داشته -، سپهسالار و آستانه ری<sup>۳</sup> است.

خود استاد افشار، جز مقاله مفصلی که در یادنامه دکتر تفضلی دارد، یادداشتی نیز در راهنمای کتاب با عنوان «مجموعه شعرهای خوب و محمود گلستانه» نوشته است.<sup>۴</sup> در آن یادداشت از مجموعه‌ای متعلق به کتابخانه ملی تبریز سخن رفت که جنگی از قرن هشتم و بسیار شبیه به انیس الوحده، ولی یقیناً با آن متفاوت است. در جنگ تبریز حتی مقداری از ابیات محمود گلستانه، تدوینگر انیس الوحده هم وجود دارد که بسیار حائز اهمیت است.

نکته‌ای که می‌توان بر این دانسته‌ها افزود این است که: جنگ کتابخانه تبریز - که قبلاً متعلق به محمد نخجوانی بوده - نسخه‌ای کهن از جنگ شعری روضة الناظر، از عزالدین عبدالعزیز کاشی است که البته نسخه‌های کهن دیگری هم دارد.<sup>۵</sup>

منبع دیگری که از صاحب انیس الوحده ذکر می‌شود، تذکره عرفات العاشقین اثر اوحد الدین بلیانی است. متأسفانه اطلاعات تاریخی از این منبع

۱. این نسخه اکنون در مرکز احیاء میراث اسلامی قم، به شماره ۸۰۸ نگهداری می‌شود. رک: فهرست نسخه‌های خطی مرکز احیاء میراث اسلامی، سید احمد حسینی اشکوری، ۱۳۸۰، ج ۳، صص ۱۴-۱۷.  
 ۲. نسخه شهرداری اصفهان، اکنون به کتابخانه دانشگاه اصفهان منتقل شده و در آنجا به شماره ۷۷ (شماره ثبت ۳۷۳۳) نگهداری می‌شود. رک: فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه اصفهان، سید جعفر حسینی اشکوری، دانشگاه اصفهان با مشارکت مجمع ذخائر اسلامی قم، ۱۳۸۵، ج ۱، صص ۶۵-۶۷. بخش مورد نظر از نسخه حاضر - که مجموعه‌ای است - در این فهرست شناسایی نشده و عنوان «کتاب فی الاخلاق» گرفته، ولی چون فهرست ابواب آن نقل شده، می‌توان یقین داشت که همان نسخه شهرداری اصفهان است.

۳. در این باره به غیر از فهرست مرحوم دانش پژوه، رک: فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه آستانه حضرت عبدالعظیم حسنی، ابوالفضل حافظیان بابل، دار الحدیث، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۶۹.  
 ۴. راهنمای کتاب، ج ۱۸، صص ۹۵۷-۹۵۹.

۵. عزیز دولت آبادی در مقاله «آشنایی با جنگ نخجوانی» (نشریه کتابخانه ملی تبریز، دوره جدید، سال اول، شماره ۱، بهار ۱۳۸۳، صص ۹۶-۱۲۰، به تفصیل این جنگ را معرفی کرد، ولی جامع آن را نشناخت. اما سید محمد عمادی حائری در مقاله مفیدش، ضمن برشمردن آثار عبدالعزیز کاشی، از این جنگ یاد کرده است. رک: «عزالدین عبدالعزیز کاشی شناسایی کتاب‌شناسی نسخه جویی»، نسخه پژوهی، به کوشش ابوالفضل حافظیان بابل، کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۴، ج ۲، صص ۳۸۵-۳۸۸.

به دست نیامد و حتی اشعاری هم که از او نقل کرده، همان است که در روضة الناظر آمده<sup>۱</sup> - به احتمال فراوان بلیانی از روضه الناظر گرفته -، ولی نکته‌ای که از این منبع می‌توان فهمید، لقب «رکن الدین» برای محمود گلستانه است که گویا در جایی دیده نشده است<sup>۲</sup>. دیگر آنکه اوحد الدین بلیانی انیس الوحده را در اختیار نداشته که اگر می‌داشت، بیش از این از اشعار او - که در انیس الوحده آمده<sup>۳</sup> - نقل می‌کرد.

به هر حال مطالب بلیانی را در اینجا نقل می‌کنم: «گلستان بزرگی و سیادت، دبستان شگرفی و سعادت، رکن کعبه کمال جاودانه، شعله ذکای خُرشید زبانه، امیر رکن الدین محمود گلستانه، از سادات معتبر مشتهر صاحب قدرت عالی فطرت زمان خود بود. گلستان طبیعتش خُرشید را داغ و رکن کعبه فضیلتش ...<sup>۴</sup> سراغ نمودی. اشعار او کم به نظر رسیده، مگر این چند بیت که مرقوم می‌گردد:

یاد باد آنکه ما جوان بودیم      بر خور از وصل دوستان بودیم

۱. ابیات مذکور در عرفات العاشقین، در روضة الناظر در پنج بیت و در خود انیس الوحده (نسخه کهن مرعشی، برگ ۲۰۳-۲۰۴) در ۱۷ بیت (در مقاله استاد افشار، از روی نسخه‌هایی که در اختیارشان بوده، ۱۶ بیت نقل شده، یادنامه تفضلی، ص ۷۷) آمده است. ضبط بیت نخست از این شعر، در انیس الوحده با روضة الناظر متفاوت است، ولی ضبط عرفات العاشقین با روضة الناظر مطابقت دارد، پس شاید ابیات مذکور در عرفات العاشقین از روضة الناظر اخذ شده باشد.

۲. از آنچه از جنگ پارسا تویسرکانی نقل شده (یادنامه تفضلی، ص ۷۷، پاورقی) می‌توان حدسی زد و آن اینکه: جنگ تویسرکانی از روی عرفات العاشقین تهیه شده است (با واسطه یا بی واسطه). نمونه‌های دیگری از جنگهای تهیه شده از عرفات العاشقین در دست است که حدس مطرح شده را تقویت می‌کند.

۳. اشعار محمود بن محمود گلستانه (متخلص به محمود) در انیس الوحده، نسخه کهن مرعشی در برگهای زیر آمده است: ۶ب، ۱۸ب، ۲۶الف، ۳۸الف، ۴۸الف، ۴۸ب، ۵۷ب، ۶۵الف، ۸۲ب، ۸۹ب، ۹۰الف، ۱۰۲ب، ۱۲۷الف، ۱۳۰ب، ۱۵۴ب (دو بیت عربی)، ۱۷۷ب، ۱۷۸الف، ۱۸۰ب، ۱۸۵الف، ۱۹۱ب، ۱۹۲الف، ۱۹۷الف و ب، ۲۰۳الف تا ۲۰۴الف، ۲۱۷الف، ۲۳۳الف، ۲۴۴الف، ۲۵۰الف و ب، ۲۶۱الف، ۲۷۳الف و ۲۸۰ب.

در اینجا نکته‌ای را باید تذکر دهم و آن اینکه: در کتابی از قرن ۱۰هـ ذکر از انیس الوحده به میان آمده است. این کتاب مجمع الغرایب نام دارد که مؤلف آن ناشناخته، اما پدرش - که از او در کتاب سخن رفته - ملا درویش محمد بلخی مفتی (م ۹۵۷هـ) است. در نسخه‌ای از این کتاب که به شماره ۸۹۸ مجموعه اهدایی مشکاة به دانشگاه تهران محفوظ است، نام انیس الوحده و جلیس الخلوته به عنوان یکی از منابع تألیف ذکر شده است. رک: فهرست کتابخانه اهدایی آقای سید محمد مشکاة به کتابخانه دانشگاه تهران ع. منزوی، دانشگاه تهران، ۱۳۳۲، ج ۲، صص ۶۵۱-۶۵۴. از مجمع الغرایب نسخه‌ای نیز در کتابخانه مجلس به شماره ۲۹۶۰ موجود است که کتابت آن بسیار جدید است. رک: فهرست کتابخانه مجلس شورای ملی، عبدالحسین حائری، تهران، ۱۳۴۷، ج ۱۰، صص ۴۰۴-۴۰۵.

۴. کلمه‌ای ناخواناست.

یاد باد آنکه هر شبی تا روز  
بر بساط نشاط در هر وقت  
وز غم روزگار پر فتنه  
در بر یار مهربان بودیم  
خوشر از هر که در جهان بودیم  
دائم الدهر در امان بودیم<sup>۱</sup>

انیس الوحدة و محققین معاصر

شاید یکی از قدیمی ترین پژوهش‌هایی که در آن ذکری از این جُنْگ کهن به میان آمده، مقاله سعید نفیسی با عنوان «ملاحظاتى چند در باب بعضى از اشعار فارسى امام عمر خیام» باشد که در شهریور ماه ۱۳۱۰ش به چاپ رسید<sup>۲</sup>. او در این نوشته از نسخه وحید دستگردی - جُنْگ قرن یازدهم مجمع البحرین - استفاده کرده و آن را اثری از اواخر قرن ۱۰ هجری قمری زد<sup>۳</sup>. مرحوم مجتبی مینوی نیز در مجموعه مصنفات بابا افضل کاشانی، دو بار از این جُنْگ یاد و از آن - نسخه سپهسالار - استفاده نمود<sup>۴</sup>.

از دیگر کسانی که از این منبع یاد کرده، سید علی میر افضلی است که از آن در گردآوری رباعیات خیام از منابع کهن - تا اول قرن نهم -<sup>۵</sup> استفاده نمود. او در این پژوهش درخشان و سرنوشت ساز، ضمن معرفی اثر و مؤلف آن، به مقالات افشار و نفیسی اشاره کرده و از آنها بهره برده است. در نوشته او از تصحیح استاد افشار و نسخه کتابخانه شهرداری اصفهان که نزد او بوده استفاده شده است.

من هم در مقاله‌ای که در بررسی پژوهش جناب میر افضلی بر رباعیات خیام نوشتم، ضمن دیدن نسخه کهن مرکز احیاء - سعید نفیسی - و نیز نسخه بسیار کهن کتابخانه آیت‌الله مرعشی - نسخه بررسی شده در گفتار حاضر - سه رباعی بدون نام سراینده را که جزء منسوبات به خیام بود، از آنجا نقل کرده‌ام<sup>۶</sup>.

۱. عرفات العاشقین، نسخه کتابخانه ملک، صفحه ۴۰۹.

۲. شرق، دوره اول، شماره نهم، صص ۵۲۶-۵۲۸.

۳. البته گویا پس از دستیابی نفیسی به نسخه قرن نهم، این اطلاع تصحیح شد و در تاریخ نظم و نثر (ج ۱، ص ۲۱۷) کتاب را از قرن ۸ هجری دانست. به این نکته سید علی میر افضلی - در منبعی که پس از این خواهد آمد - اشاره کرده است.

۴. به نقل از مقاله استاد افشار (یادنامه تفضلی، ص ۶۹).

۵. رباعیات خیام در منابع کهن، سید علی میر افضلی، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۸۲، صص ۱۰۱-۱۰۳.

۶. نقد و بررسی کتاب «رباعیات خیام در منابع کهن» و نو یافته‌های خیام پژوهی، جواد بشری، کتاب ماه کلیات، ۹۲-۹۳، مرداد و شهریور ۱۳۸۴، ص ۱۱۰.

دو نسخه دیگر

جز نسخه‌هایی که در مقاله استاد افشار نام برده شده و نیز دستنویسی که در نوشته حاضر بدان پرداخته خواهد شد، دو نسخه دیگر از این کتاب شناسایی شد که هر دو در عراق قرار دارد و جدا از اینکه بدانها دسترسی نیست، باید گفت از نظر قدمت ارزش چندانی هم ندارند، ولی به هر صورت باید از وجود آنها اطلاع داد.

یکی از این نسخه‌ها - که از دیگری مهمتر است - در «متحف عراقی» به شماره ۹۰۹۵ نگهداری می‌شده است. این نسخه که گویا از قرن دهم هجری است و تاریخ کتابت هم ندارد، به خط عبدالرحمن بن محمد است که برای محی الدین عبدالقادر کتابت شده، بخشهایی از آن به خط نسخ و بخشهای فارسی به خط نستعلیق است.<sup>۱</sup>

نسخه دوم، بخش دهم و انتهای مجموعه‌ای است که در مدرسه جامع الکبیر (النوری) در موصل نگهداری می‌شده و به شماره ۴۷ در فهرست آنجا معرفی گردیده است.<sup>۲</sup> از سرنوشت نسخه‌های عراقی در حال حاضر، اطلاعی در دست نیست.

نسخه کهن کتابخانه حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی رحمته

چنانکه گذشت، کتابخانه حضرت آیت الله مرعشی نجفی رحمته نسخه‌ای از انیس الوحده را در میان مجموعه‌ای از قرن یازدهم در اختیار داشت، اما در فهرست جلد سی‌ام کتابخانه، نسخه‌ای دیگر از آن معرفی شد که از نظر کتابت و تمام بودن بر تمام نسخه‌های دیگر اثر برتری دارد.<sup>۳</sup>

دستنویس حاضر که به شماره ۱۲۰۳۹، در مخزن این کتابخانه نگهداری می‌شود، گویا در سال ۱۳۷۶ نصیب کتابخانه شده، چرا که دکتر مرعشی در یادداشتی در آغاز نسخه چنین تاریخ زده است. یادداشت ایشان به تمامی چنین است:

«کتاب انیس الوحده و جلیس الخلوۃ در محاضرات، از محمود بن محمود حسینی

۱. مخطوطات الادب فی المتحف العراقی، اسامه ناصر النقشبندی و ظمیا محمد عباس، معهد

المخطوطات العربیة المنظمة للتربیة و الثقافة و العلوم، الطبعة الاولى، کویت، ۱۴۰۶ هـ، ص ۵۶.  
۲. فهرس مخطوطات مکتبة الاوقاف العامة فی الموصل، سالم عبدالرزاق احمد، الطبعة الثانية، ۱۴۰۲ هـ، ج ۲، ص ۲۹۶.

۳. فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه بزرگ حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی رحمته، سید محمود مرعشی و گروه فهرست نگاران، قم، ۱۳۸۰، ج ۳۰، صص ۴۰۳-۴۰۴.

کاشانی، مشهور به گلستانه. ایشان از سادات علاء الدین گلستانه، شارح نهج البلاغه و داماد مجلسی نمی‌باشد. این نسخه بسیار نفیس و تحریر قرن هشتم هجری قمری می‌باشد و تاکنون چاپ نشده، به کشف الظنون مراجعه شود، آثار مقابله در نسخه هست. قم - سید محمود مرعشی نجفی، اسفند ۷۶».

این دستنویس ۲۸۰ برگ دارد. نکته گفتنی اینکه: نسخه حاضر چهار بار شماره برگ خورده است؛ یکی از کهنترین این شماره‌ها، اعدادی است به شیوه سیاقی که در گوشه بالای سمت چپ رویه برگها دیده می‌شود. جز این، شماره‌ای است که در بالای هر برگ (سر برگها) به اعداد ریاضی آمده و آن هم تا حدودی کهن است. مورد سوم اعدادی است که به حروف فارسی تا ۹۶ در گوشه بالای سمت راست، پشت برگها خورده و البته نا تمام است. کسی بعدها سعی در اتمام این شماره گذاری کرده و آن را به زبان عربی تا ۱۳۰ ادامه داده است. آخرین شماره‌ای هم که خورده شماره‌ای است که در کتابخانه و با مداد - که مرسوم عدد گذاری نسخه است - در کنار اعداد سیاقی نوشته شده است.

عناوین اصلی هر باب با مرکب سیاه و عناوین ریز تر - از جمله نام شاعران - با شنگرف نوشته شده است. نکته جالب، وجود نقطه‌های فراوانی است که با قرمز - شنگرف - در پایان جمله‌ها و نیم جمله‌های بخش حکایات منثور آمده و کهن هم هست. در هر صفحه ۱۵ سطر کتابت شده که این نظم در تمام نسخه دیده می‌شود.

اگر چه از میان سه نسخه کهنی که از این اثر باقی است - نسخه‌های سعید نفیسی، شهرداری (دانشگاه) اصفهان و نسخه حاضر - این نسخه از همه کاملتر است، ولی افتادگی‌های اندکی به شرح زیر دارد:

- بین اوراق ۱۵۵ و ۱۵۶ تناسبی دیده نمی‌شود، شعر پایانی برگ ۱۵۵ نا تمام مانده و شعر آغاز برگ ۱۵۶ بیت آخر قطعه‌ای است که آغاز آن را نداریم. پس گویا بین این دو برگ، مقداری افتاده باشد.

توضیح اینکه، این اوراق بخشی از ابیات عربی باب چهاردهم (در عشق و ...) را تشکیل می‌دهد که طولانی‌ترین باب از میان ابواب بیست گانه است. شاید با جستجو در دیگر بخشها، برگ یا برگهای افتاده یافت شود.

- بین برگ ۲۲۸ و ۲۲۹ افتادگی هست. این افتادگی، کمی از آغاز باب پانزدهم - فی شوارد الامثال و لطائف الاقوال - را که قاعده شامل آیات، احادیث، کلمات حکما و فصحا و کمی از ابیات عربی می‌شده، از بین برده است.

- از پایان کتاب هم بخشی که شامل حکایات باب بیستم است، در این نسخه نیست و جمله «قد تم الكتاب» که در انتها دیده می‌شود، به خط جدید و الحاقی است. به جز این، دو سه مورد هم هست که برگهای نسخه در صحافی‌های پیشین جا به جا شده که پس از بررسی دقیق، نظم اصلی به دست آمد. برای اصلاح این موارد برگهای ۱۱۰ تا پایان ۱۲۲ - يك برگ آخر باب دهم و تمام باب یازدهم و يك صفحه آغاز باب دوازدهم - باید بین برگهای ۹۶ و ۹۷ قرار گیرد. همچنین برگهای ۲۲۳ تا ۲۲۷ آشفته صحافی شده که ترتیب آن باید به این شکل باشد: نخست برگ ۲۲۶، سپس ۲۲۴، بعد ۲۲۳، پس از آن ۲۲۵ و در آخر ۲۲۷، برگ ۲۷۹ هم پشت و رو قرار گرفته است. رسم الخط و املای این نسخه مشخصاتی دارد که به اختصار توصیف می‌شود: «گ» همه جا بدون سرکش است؛ «چ» با يك نقطه است و من مورد سه نقطه‌ای ندیدم؛ «پ» در بیشتر موارد يك نقطه دارد، ولی نمونه‌های زیادی هست که با سه نقطه نوشته شده<sup>۱</sup>؛ «ژ» - که طبیعتاً کاربرد آن در میان حروف دیگر فارسی کمتر است - در بسیاری جاها با سه نقطه کتابت شده است<sup>۲</sup>؛ قاعدهٔ ذال معجمه - کتابت و شاید تلفظ دالهایی که پس از مصوت می‌آیند به صورت ذال - در اکثر قریب به اتفاق نسخه جاری است؛ «که» در موارد فراوانی، به صورت «کی» نوشته شده است؛ «ب» پیشوندی متصل به فعل در برخی موارد جدا کتابت شده، مثل «به ندانست» (۶ الف) و «به نزیست» (۳۶ الف) که با بررسی بیشتر می‌توان آن را قاعده‌مند کرد.

به یک ویژگی رسم‌الخطی دیگر این نسخه باید اشاره شود و آن کتابت یک «ک» کوچک به شیوهٔ خط نسخ است، به جای سرکش اصلی «ک» - به شکل کوچکتر روی آن کتابت می‌شده و در نسخه‌های کهن، به خط نسخ نمونه‌های فراوان دارد - و این در

۱. از میان «پ» سه نقطه‌ای، آنچه تا برگ ۹۰ دیده شد، برای نمونه چنین است: برگهای ۳۵ ب سطر ۸، ۳۶ الف س ۱۲، ۳۷ ب س ۵، ۳۹ الف س ۹ و س آخر، ۴۶ الف س ۸، ۶۳ الف س ۱۱، ۶۳ ب س ۱ و س ۱۲، ۶۴ ب س ۱، ۶۵ الف س ۷، ۷۳ ب س آخر، ۷۴ ب س ۹ و س ۱۴، ۷۵ الف س ۲ و س ۱۱، ۷۵ ب س ۸، ۷۶ الف س ۱۳، ۷۶ ب س ۷، ۷۷ الف س ۱۱، ۷۸ الف س ۱۱ و س ۱۳، ۷۹ الف س ۱۳ و س ۱۵، ۷۹ ب س ۱۲، ۸۰ الف س ۹، ۸۱ الف س ۸ و س ۱۰ و س ۱۱ و س آخر، ۸۱ ب س ۱۱، ۸۲ الف س ۱۱، ۸۲ الف س آخر، ۸۴ ب س ۱۰ و س ۱۱، ۸۹ ب س ۱۳. ۲. برای نمونه این موارد دیده شود: «کز» در برگهای ۲۶ الف س ۱، ۹۵ الف س ۶، ۱۷۵ ب س ۶، ۱۷۶ الف س ۲؛ «باز» [= باج] در برگ ۸۳ ب س ۹؛ «بژمرد» [= بژمرد] در برگ ۸۹ الف س ۳؛ «ژیان» در برگ ۱۱۶ ب س ۵؛ «مژّه» در برگهای ۱۷۵ الف س ۶، ۱۷۶ الف س ۶، ۱۸۶ الف س ۹، ۱۹۶ ب س ۹؛ «دژم» در برگ ۱۷۵ الف س ۷؛ «نژند» در برگ ۲۲۶ ب س ۸؛ «مژّه» [= مزه] در برگ ۲۶۴ ب س ۱۰.

مواردی است که «ک» حرف اول کلمه باشد و به حروفی چون الف و ... بچسبد.<sup>۱</sup> در این قسمت اشاره‌ای به مشکول بودن واژگان فارسی این نسخه بی‌مناسبت نخواهد بود، لغات فارسی فراوانی در این دستنویس مضبوط دیده می‌شود که با زیر و زبر و پیش و سکون، مشکول شده‌اند. اما موارد قابل توجه از نظر زبان‌شناسی تاریخی در میان آنها فراوان نیست، آنچه از این میان ارزش یادآوری دارد چنین است: پُسر (برگهای ۳۵ ب س ۱ و ۱۱۷ الف س ۸)، تونکر [= توانگر] (برگهای ۳۶ ب س ۷، ۷۵ ب س ۹، ۷۸ الف س ۴ و ۸۰ الف س ۳)، جاذر [= چادر] (۳۸ الف س ۲)، زُبان (۴۷ ب س ۷، ۱۰۱ ب س ۱۳ و ۱۲۶ ب س ۷)، کُربَه (۴۹ الف س ۱)، زَهْرَه (۴۹ الف س ۳)، سَخْن (۵۸ ب س ۷)، خُوذ (برگهای ۶۳ ب س آخر، ۶۴ الف س ۱ و ۶۶ الف س ۶)، بیهُوذَه (۷۷ ب س ۹)، جنکَل [= چنگال] (۷۸ ب س ۵)، پختَه (۷۹ ب س ۱۲)، آورَه [به جای آواره که چون در بیت شعری آمده،<sup>۲</sup> یا اشتباه کتابتی است، یا باید مصوت کوتاه فتحه را کشیده و به صورت بلند خواند] (۹۴ ب س ۱۰)، جَهْرَه (۱۸۷ الف س ۱۳)، مَنی (۲۰۰ الف س ۵)، پَنی (۲۰۱ ب س ۹) و مَخُوْر (برگ ۲۷۹ الف و ب که «غم مخور» ردیف غزل است و همه جا به این صورت مشکول شده است).

#### ضبطهای این نسخه

این دستنویس با ویژگیهایش، شایستگی آن را دارد که به عنوان نسخهٔ اساس قرار گیرد که البته چگونگی کار تصحیح آن به این گفتار مربوط نمی‌شود. اما مانند تمام نسخه‌هایی که با دست نوشته شده‌اند از اغلاط کتابتی خالی نیست. برای نمونه مواردی هست که کاتب کلماتی را ننوشته و به اصطلاح جا انداخته، مثل برگهای ۱۷۷ ب (در يك رباعی از مؤلف)، ۲۰۴ الف سطر ۱۲، ۲۱۵ الف سطر ۱۱ و ۲۶۰ ب سطر ۱۴. برعکس نمونه‌هایی هم هست که کاتب روی برخی کلمات که به اشتباه کتابت کرده یا اضافه نوشته، خط کوچکی کشیده است. چند موردی هم دیدم که به شکل قدما، کاتب بدون اینکه کاغذ را با خط خوردگی سیاه کند، از شیوه‌ای استفاده کرده

۱. برای نمونه این برگها ذکر می‌شود: ۱۳۲ ب س ۷، ۱۷۵ الف س ۱۴، ۱۷۶ الف س ۶، ۱۷۶ ب س ۷، ۱۸۰ الف س ۴، ۱۸۲ الف س ۹، ۱۸۳ الف س ۷، ۱۸۹ ب س ۳، ۱۹۰ الف س ۱ و س ۵، ۱۹۳ الف س ۱۲، ۲۰۹ الف س ۲، ۲۰۹ ب س ۱۲، ۲۱۰ الف س ۱، ۲۱۲ الف س ۵، ۲۱۳ الف س ۱۰، ۲۲۲ الف س آخر، ۲۴۹ ب س ۱۰ و س آخر، ۲۶۰ الف س آخر، ۲۶۱ الف س ۱۰، ۲۷۶ الف س ۳.

۲. لطفت به کرم جاره بیجاره گنَد  
در موسم عدل تو صبارا نبُوَد  
عدلت ستم از زمانه آورَه گنَد  
آن یاره کی بیراهن کل باره گنَد



که برای اصلاح دو کلمه جا به جا استنساخ شده از آن بهره می‌برده‌اند. شیوه مورد بحث، نوشتن حروف «ح» و «م» روی دو کلمه‌ای است که جا به جا کتابت شده‌اند، در برگه‌های ۱۳۲ الف س ۳، ۱۸۷ الف س ۵ و ۲۰۹ الف س ۳.<sup>۱</sup>

اما بیشترین موارد اصلاح را کاتب به شیوه‌ای که قدما آن را «تصحیح» می‌نامیده‌اند اعمال کرده، این شیوه به این شکل است که پس از کتابت نسخه، يك بار به نیت رفع اغلاط، آن را با متن مورد مراجعه (یا با نسخه مضبوط دیگری) مقابله می‌کرده و اشتباهات را در حواشی با علامت «صح» متذکر می‌شده‌اند.

از نمونه‌های اعمال این روش در نسخه حاضر، برگه‌های زیر را می‌توان نام برد: ۸۵ ب، ۱۲۱ الف، ۱۳۲ الف، ۱۳۸ ب، ۱۵۱ ب، ۱۵۴ الف، ۱۵۸ ب، ۲۰۵ الف، ۲۲۷ الف، ۲۵۸ ب، ۲۷۴ الف و ۲۷۷ ب.

همچنین هنگام مقابله، کاتب مواردی را می‌دیده که در استنساخ از قلم افتاده، پس آنها را در حواشی می‌آورده است. این موارد در برگه‌های زیر دیده می‌شود: ۱۰۰ ب، ۱۵۷ الف، ۲۲۷ الف، ۲۴۰ الف و ۲۴۷ الف.

اگر متن استنساخ شده با نسخه‌ای دیگر از کتاب مقابله می‌شد، در مورد برخی کلمات که در دو نسخه موجود متفاوت ضبط شده، ضبط یکی را در حاشیه با علامتی خاص و یا بدون علامت می‌نوشتند.

این نمونه در نسخه حاضر فراوان نیست و نمی‌دانم می‌توان با همین تعداد کم نتیجه‌گیری کرد که کاتب، نسخه‌ای دیگر از کتاب را در اختیار داشته که متن را با آن مقابله کرده است یا نه.

به هر صورت موارد یاد شده چنین است: برگ ۷۹ ب سطر آخر، نسخه بدل «خورد» برای واژه «برد»؛ برگ ۲۷۵ ب، نسخه بدل «رسید» برای واژه «درآمد» (چون نوبت مصطفی ﷺ درآمد) و برگ ۱۴۷ الف، نسخه بدل «وجودك» برای کلمه «حياتك» که در این مورد خاص، کاتب روی کلمه نسخه بدل، علامت «خ» گذارده و این بسیار مهم است. گفتنی است جریان مقابله نسخه‌های خطی پدیده‌ای است که بیشتر در میان نسخه‌های عربی متداول بوده، و اینکه نسخه‌های فارسی مقابله و تصحیح شده باشد، بر

۱. این شیوه اصلاحی را در چند نسخه دیگر هم دیده‌ام که عجالةً از این موارد یاد می‌کنم: نسخه جنگ محمود شاه نقیب، کتابت شده در شیراز مورخ ۸۲۷ هجری؛ جنگ مونس العشاق، کتابخانه آیت الله العظمی مرعشی نجفی رحمته الله مورخ ۸۶۰ ق؛ نسخه خطی جامع الالمان به خط مؤلف (حافظ مراغی).

اهمیت و صحت آن می‌افزاید. و اینکه در یادداشت دکتر مرعشی در آغاز نسخه به این مورد اشاره شده بود، حاکی از همین واقعیت است.

### حواشی مالکان نسخه

بحث بر سر حواشی این نسخه، آنجا که به خطی غیر از خط کاتب اصلی است، موضوعی حاشیه‌ای به شمار می‌رود که برای تکمیل گفته‌ها، مطرح می‌شود.

مهمترین حاشیه‌ای که دیده می‌شود، یادداشتی است که در گوشه پایین برگ ۱۹۲ ب آمده و تاریخی به این ترتیب دارد:

«طالع فی هذا الكتاب المبارك، العبد الضعیف الراجی رحمة ربّه، عبدالوهاب بن ابراهیم بن زکریا بن ابی... البصری. و ذلك فی بند الماجور (/الماجوب)، یوم عاشر [ذی القعدة الحرام سنة ثلاث ... و ثمان مائه].»

حاشیه دیگری که نام کاتب دارد، در برگ ۱۵۰ دیده می‌شود که شخصی ماجرای معروف جوان عاشق و اصمعی را که پس از مکاتبه، بر روی قطعه سنگی در کنار آن جان می‌دهد تکمیل کرده و در انتها نام خود را نوشته است: «محمد مقیم المردوخی النختی» [کذا]، این حاشیه تا حدودی قدیمی است.

در چند مورد هم ابیاتی به فارسی در حاشیه آمده، از جمله در حواشی برگهای ۱۳ ب، ۲۵ ب، ۴۸ ب، ۱۷۸ ب و ۲۰۷ الف که مورد نخست به خط نستعلیق قرن ۹ و ۱۰ ق شباهت دارد.

در بخش حکایات و اشعار عربی، توضیحاتی درباره برخی لغات و مفردات آمده که بعضاً کهن به نظر می‌رسد. این حواشی مثلاً در برگهای زیر دیده می‌شود: ۲۲ ب تا ۲۴ الف، ۱۴۲ ب، ۱۴۳ ب، ۱۴۴ الف، ۲۱۷ ب، ۲۱۸ الف، ۲۴۴ الف، ۲۴۷ ب. در یکی دو مورد، این حواشی از کتابی به نام «جامع اللغة» نقل شده است.

جدیدترین حاشیه این نسخه که با خودکار آبی نوشته شده و بسیار جدید و البته حاکی از بلاهت نویسنده آن است، در برگهای ۹۰ و ۹۱ دیده می‌شود. در این مورد مالک که شخص متعصبی بوده، با دیدن لفظ «گرد» در یکی از حکایات این کتاب و اینکه آن شخص نقش مثبتی در جریان ماجرا نداشته، زبان به مدح گردان گشاده و روی تمام حکایت را با خودکار خط زده است. حال آنکه «گرد» در این متن معنای متفاوتی دارد نسبت به آنچه امروز بر قوم پرافتخار «گردان» اطلاق می‌شود و به معنای چوپان و دامدار صحرانشین است.